



افکار، اندیشه ها، تصورات و بینش دانشمندان باور های نا همگون پیرامون
شخصیت ماندگار سرور کائنات، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم !

ترجمه و تدوین: پوهندوی پیکار

با آفرینش کائنات، و سپارش خلافت آن به بهترین آفرینش، انسان به مثابه اشرف مخلوقات، آفریدگار عالمیان این کائنات را من حیث موهبت الهی برای ما انسان ها میسر ساخت تا در آن به منظور زیست و خدمت گزاری برای نیازمندان و مخلصان راه یزدانی، قدم به عرصه هستی گذاریم و برای اینکه همواره مالک پندار، گفتار، و کردار نیک بوده باشیم و رسالت انسانی و اخلاقی خود را در برابر دیگران به نحو شایسته به سر برسانیم، همواره ما را در بستر پر بار تاریخ به هادی و قایدی نیازمند ساخته است، تا مایان و کافه بشریت را که در خام کاری و سهل انگاری دست بلندی داریم، از طریق صراط المستقیم، که راه عدالت، سخاوت، شجاعت، مردانگی، فراست، و بشارت است، به سر منزل مقصود انسانیت و عقلانیت رهنمایی کند. و این همان انسان است که در فرجام بر بنیاد تلاش های عقلانی و در پرتو نور هدایت خرد کل، بر بنیاد کار برد صلاحیت و ظرفیت عقلانی بشری اش، به منظور به سر رسانی رسالت انسانی به جایگاه بلند بالایی خواهد رسید که آفریدگارش برای مقام شامخ او شایسته و بایسته دانسته و اسباب فراز روی و عروجش اش را نیز که خرد فردی و جمعی است، فراهم ساخته است. به قول معروف علامه اقبال که فرموده است:

یکی در معنی انسان نگر از ما چه می پرسی
هنوز اندر طبیعت می خلد موزون شود روزی
چنان موزون شود این پیش پا افتاده مضمونی
که یزدان را دل از تأثیر او پر خون شود روزی

برای هر روشنفکر متعهد و مجتهد برای اینکه بتواند بر فراز و فرود روح و روان توده ها و مردم خویش صلاحیت فکری خردمندانه داشته باشد، لازم است فرهنگ

عقیدتی و باور های دینی توده های محیط پیرامون خود را من حیث پدیده روبنایی که برای سالیان دراز و سده های متمادی در تار و پود زندگی اجتماعی و فرهنگ معنوی اش، ریشه دوانده است، به گونه نهایت ژرف به پژوهش و بازنگری مجدد قرار دهد تا بتوانند در معرفی مکتب فکری اش که درک آن از سطح فهم و درک مردمان عادی خیلی ها بلند است، کامگارانه و هدفمند بیرون بدرآید. دکتر علی شریعتی در کتاب "حج"، این چنین زیبا می نویسد:

" حسین از شهادتش یک درس سترگ تاریخی را به ما داده است، و آن نیمه تمام گذاشتن حج! و به سوی شهادت رفتن است... تا به همه حج گزاران تاریخ، نماز گزاران تاریخ، مؤمنان به سنت ابراهیم، بیاموزد که اگر امامت نباشد، اگر حسین نباشد و اگر یزید باشد، چرخیدن بر گرد خانه خدا با خانه بت مساوی است."

محمد (ص)، چگونه شخصیتی بود؟

هنر و ادبیات، آئینه بازتاب زندگی اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی و سیاسی دنیای بشری است، اما کار تونستی که مفهوم واقعی هنر را بدست فراموشی سپرده است، به یاری و دستیاری هنرش، تصویر مزومومی را از زندگی آن حضرت به جهانیان عرضه می دارد، تا باشد آن پیام و بینش صلح و همزیستی ای را که محمد (ص)، در میان کافه بشریت بدون آنکه دارای کدامین سابقه و پس منظر زبانی، تاریخی و عقیدتی هستند، به ودیعه گذاشته است، به مخاطره قرار دهد.

انسان عاقل، بالغ، دانشمند و خرد گرا، او را به مثابه یک انسان و شخصیت استثنایی زمانی که همه محیط پیرامون او مشحون از کاستی ها، نارسایی ها، خرد ستیزی و بیرون از دایره تفکر و تعقل بود، به پنداشت و پندار می نشیند، و به حیث آفرینش گر یک انقلاب مادی، معنوی، و روحانی میداند.

ملیون ها انسان کره خاکی ما که در آن حیات بسر می بریم، آن حضرت را من حیث پیام رسان آفریدگار عالمیان که در امین بودن، صداقت و طهارت فکری اش بی نظیر بود، به شناخت، پژوهش، تحقیق و تدقیق می نشینند.

حضرت والا آقا خان - His Highness The Aga Khan

"امروز در فرصت اندکی که با شما سخن خواهم گفت، با یک تقاضا مطالبیم را آغاز خواهم نمود: صدو هفتاد و دو استاد برجسته از 48 کشور در اسلام آباد، لاهور، پشاور و کراچی گرد هم آمده اند تا نتایج تحقیق، پژوهش و تأملات خویش را در باره جنبه های مختلف حیات رسول اکرم عرضه نمایند. از میان تمام این تبادل نظر ها، و در پی تمام مباحثاتی قبل یا بعد از ارائه هر مقاله به میان می آید، طیفی گسترده و متنوع از اندیشه های نو، ذهنیت های نو و فهم های جدید از زندگانی پیامبر بدست

خواهد آمد. خالصانه از شما تقاضا می‌کنم که گزارش کامل و چاپ شده‌ای از این مقالات و بحث‌های بعدی را در اختیار تمام مسلمانان قرار دهید. در جهان عقلانی رفیع شما، بسیاری از شما این توفیق و اقبال را دارید که در باره جنبه‌های شگرف زندگانی پیامبر اکرم، حضرت محمد (ص)، بیندیشید. این توفیقی است که خیلی از مسلمانان جویای آن هستند، اما به سبب شرایطی که از اختیار آنها خارج است، یا در واقع به واسطه ماهیت خود زندگی مدرن و متجدد، این کار از عهده آنها ساخته نیست.

کشورهای فقیر اسلامی، اگر بخواهند از جنبه دنیوی تا حد معیارهای قابل قبول زندگی روزمره پیشرفت کنند، در پیش روی خود سال‌هایی از کار سخت و دشواری آفرین روز افزون دارند. کشورهایی توان‌گر و غنی‌تر، مخصوصاً آنها که وسایل جدیدی در اختیار دارند، به سرعت در خواهند یافت که این ثروت، اگر چه یک نوع موهبت است، اما مسئولیت‌های سنگین جدیدی را نیز بر آن‌ها تحمیل خواهد نمود. آنها مجبور خواهند بود که این ثروت را عاقلانه اداره کنند تا بهترین منفعت برای شهر وندان‌شان داشته باشد، و در عین حال به یاد داشته باشند که مسئولیت سنگین هم در قبال کشورهایی برادر مسلمان که توانگری و رفاه کمتری دارند، و در حقیقت نسبت به نوع بشر به طور اعم، بر عهده دارند. در نتیجه اعتقاد عمیق و راسخ من این است که جامعه اسلامی در سال‌های آینده در خواهد یافت که مفهوم و تصور سنتی ما از وقت و زمان، که آینه‌ای بی‌حد و مرز بود که در آن به تأمل و اندیشه در ابدیت می‌پرداختیم، به قفسی تنگ مبدل خواهد شد، دامی نامرئی که هر روز افراد کمتر و کمتری یارای گریز از آن را خواهند داشت.

من در مغرب زمین شاهد الگوی ژرفاً متغیّر در روابط انسانی بوده‌ام. به نظر می‌رسد که لنگرهای رفتار اخلاقی به زمینه‌هایی کشیده شده‌اند که دیگر کشتی‌های حیات را استوار و پا برجا نگاه نمی‌دارند: آنچه که روزی نا صواب و خطا بود، امروز غیر قرار دادی و نا متعارف است، و به خاطر آزادی فردی باید آن را تحمل نمود. آنچه که تحمل می‌شود، به زودی پذیرفته خواهد شد. بر عکس، آنچه که روزی صواب و نیکو بود، امروز قدیمی و از مود افتاده تلقی می‌شود و اغلب مورد آماج تمسخر و استهزا قرار می‌گیرد.

در برابر این جهان متغیّر که زمانی برای ما کیهانی بود و اکنون جزیره‌ای شلوغ و مُزَدَحَم نیست، و در رویارویی با چالش‌های بنیادی با درک ما از زمان و در حصار ناوگانی بیگانه از کشتی‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی که مهار آنها از کف ما رها شده است، می‌پرسیم که آیا درکی روشن، استوار و دقیق از اینکه جامعه اسلامی در آینده چگونه باید باشد، داریم؟ و اگر آنگونه که من باور دارم، پاسخ قطعی و مطمئن نیست

جز در قرآن شریف و در سرمشق از زندگی پیامبر غایی و نهایی خداوند کجا می توان جستجو کرد؟

هیچ توجیهی برای به تعویق انداختن جستجوی پاسخ به این چنین پرسش، از سوی مسلمانان جهان وجود ندارد زیرا ما بدین امر وقوف داریم که اسلام پیام نهایی خداوند، قرآن کتاب غایی او، محمد رسول آخرین اوست. توفیق و عنایت نصیب ما شده است که پاسخ هایی که از این منابع اخذ می شوند، ضامن این است که نه اکنون و نه در هیچ زمان دیگری در این راه به وادی ضلالت و گمراهی نخواهیم رفت... نمیتوانم زمانی را در تاریخ اسلام به خاطر بیاورم که مسلمانان فرصتی از این عظیم تر برای اتحاد در اختیار داشته باشند، و اینکه اطمینان پیدا کنند که جامعه ای که در آن زندگی می کنند همان است که برای خود تعریف و انتخاب کرده اند. نه تنها همگی اشکال و صور ارتباط انسانی از هر زمان دیگری در تاریخ آسان تر شده است، بلکه حتی بیشتر از این ندرتاً، آنهم اگر چنین فرصتی وجود داشته است که جامعه مسلمان چنین ابزار و وسایلی را برای تضمین آینده اش در اختیار داشته باشد.

کنفرانس هایی از این قبیل که از زندگی پیامبر اکرم الهام میگیرند نمی توانند خدمتی از این عظیمتر به اسلام نمایند که کمک کنند تا تعیین شود که چه گام هایی، در کجا و چگونه باید برداشته شوند تا تضمین شود که مردم ما در سال های آینده زندگی سرشار از صلحی عظیمتر و رفاه بیشتر داشته باشند و در جامعه اسلامی زندگی کنند که از سوی نیروها، فشارها یا مفاهیمی که کاملاً بیگانه اند و ممکن است به طرزی جبران ناپذیر با ما صدمه بزنند، مورد تاخت و تاز و تاراج واقع نشوند یا مفتون و مسحور آنها نگردند.

در جستجوی یک راه حل، معتقدم که باید مردان و زنان خود مان را، در هر کجایی جهان موقعیتی برجسته کسب کرده اند، فرا خوانیم و آنها را متقاعد کنیم که باز گردند تا از دانش، تحصیلات و کارشان بهره ببریم. خیلی زیاد پیش می آید که در سفرهایم با اساتید، پزشکان، دانشمندان و معماران برجسته اسلامی ملاقات کرده ام یا از آنها مطالبی آموخته ام، که اینها در خارج کشور مانده اند، یا وقتی که به کشور خود باز میگردند نتوانسته اند از حمایت و تشویق لازم برخوردار شوند تا نظرگاه اسلامی شان را در زمینه های کلیدی پیشرفت مدرن، برای منفعت ملت خودشان عرصه نمایند. هر گونه تلاش انسانی پر معنی، هر گونه اندیشه بدیع، هر گونه تحقیق و پژوهش واقعی و راستین، نیاز به تشویق روحیه و حمایت مالی دارد. این چیزی است که ما باید تأمین کنیم، نه تنها در طی سال های نخستین تحصیل هر فرد، بلکه به همان میزان در زمانی که او زندگی محدود مرکز تحصیلی اش را ترک می گوید تا به جهان وسیع تر فعالیت ملی یا بین المللی قدم بگذارد.

زندگی پیامبر اکرم هر گونه سرمشق بنیادی را در اختیار ما می دهد که مشکل

را تا حدی که اذهان و عقول بشری ما می توانند متصور شوند با موفقیت بگشاییم. سرمشق زندگانی وی در دستکاری، صداقت، وفاداری و سخاوت هم در زمینه امکانات و هم از لحاظ وقت، شفقت وی بر فقرا، ضعفا و بیماران، استواری او در دوستی، تواضع و فروتنی اش در کام گاری و موفقیت، بزرگواری اش در ظفرمندی و پیروزی، سادگی و بی آلابشی اش در برابر همگان، حکمت وی در اتخاذ راه حل های جدید برای مشکلاتی که با روش های سنتی گشوده نمی شوند، بدون اینکه اصول بنیادین اسلام تحت الشعاع قرار دهد، یقیناً تمامی این ها مبانی و ارکانی هستند که با درک صحیح و تعبیر صادقانه و خالصانه، باید ما را قادر سازد بیندیشیم که در سال های آینده یک جامعه حقیقتاً پویا، زنده و مدرن اسلامی چگونه باید باشد."

(کنفرانس سیرت، کراچی - پاکستان، 1976م)

در سیاق و محتوای دایرةالمعارف " بریتانیکا"، شخصیت وی این گونه ترسیم گردیده است: " منابع عظیم و انبوهی بازتاب دهنده آن است که محمد یک شخصیت فرزانه، درستکار، صادق، امین، محترم، معظم و وفادار بود، به ویژه در برابر آنهایی که این ویژگی ها سیاق و محتوای زندگی آنها را تشکیل دهنده بودند. محمد کامگار ترین پیام رسان دنیای انسانی در میان همه پیامبران بود" (بریتانیکا: ش. 12)

جورج برنارد شاو *George Bernard Shaw*

" من در فراز و فرود زندگی فردی و پژوهشی ام، دین و آئین محمد را بخاطر قدرت، صلاحیت و اختیار بی نظیری که دارد، در بالا ترین جایگاه قرار داده ام که شایسته و بایسته آن است. از دیدگاه من، این یگانه دینی است که دارای ظرفیت عالی تلفیق و هم گون سازی است و توانسته است سازگاری و سازواری خود را در فرآیند همه سده ها، مصون نگهدارد. من محمد را یک انسان عالی، بی نظیر، و نه هم مخالف دنیای عیسویت، بلکه ناجی بشریت دریافته ام. باور من این است که اگر امروز انسانی مانند او در میدان هستی می بود، با مشاهده شیوه های ناپسند دیکتاتوری دنیای مدرن، میتواند به وجه خیلی احسن فضای نهایت صلح آمیز و مسرت بار را به آفرینش می نشست. پیشبینی و پیشداوری من در مورد آئین محمد این است، آنگونه که این دین امروز برای انسان ها در سراسر دنیای اروپا قابل قبول است، به همان پیمانیه برای انسان های اروپای آینده نیز مورد پذیرش خواهد بود. اگر هر دینی و یا آئینی در صد سال آینده میل حاکمیت بر روان و ذهن مردمان اروپا را داشته باشد، این دین، اسلام خواهد بود. (سر جورج برنارد شاو، اسلام واقعی، ج، 1، ش، 8، 1936)

حضرت محمد(ص)، انسان و شخصیت قابل تحسین و تمجیدی بود که فقط یکبار به این کائنات قدم گذاشته است. او دین و آئین انسانی را به تبلیغ و ترویج گرفت، نظام حکومت داری و سیستم ارزشی ای را به وجود آورد، دست به ملت سازی زد، و شیرازه و قوانین اخلاقی را به وجود آورد، و اسباب آفرینش نوآوری و اصلاحات بیشماری را فراهم ساخت. وی بخاطر پیشبرد تعلیمات و آموزش باور های خویش عملکرد بر عقیده اش یک جامعه مستحکم، متحرک، و قانون مند را ایجاد نمود و به گونه مکمل دنیای تفکر، تعقل، بینش، و روش های جامعه بشری را برای همیشه انقلابی ساخت. او در دنیای عرب در سال 570، هجری قمری، دیده به جهان کشود و با رسیدن به رسالت در سن 40 سالگی، دین و آئین حقیقت و حقانیت اسلام را من حیث دین توحید پرستی و یگانگی، تبلیغ و ترویج میکرد، و به سن 60 سالگی، این جهان را ترک نمود. وی در فرآیند کارکرد های 23 ساله نبوت و رسالت خویش، چهره، تصور و بینش شبه جزیره عربستان را به طرز کامل برای همیشه تغییر داد. مردمان دنیای شبه جزیره عربستان را از مرحله بدویت و پرستش اصنام، از زندگی پرخاشگرانه و نزاع های پی در پی، از مستی و مدهوشی، از عیاشی، فسق، فساد، فحشا، بی قانونی، انارشسیسم، افلاس مطلق و بی باوری، به توحید و یکتا پرستی، هم بستگی و پیوستگی، به اعتدال، پارسایی، تقوا، زندگانی منظم و سیستماتیک، و عالی ترین معیار اخلاقیات بی نظیر، سوق داد. تاریخ جامعه بشری شاهد این چنین تغییر و تحول انکار ناپذیری که محمد (ص)، تنها در فرآیند دو دهه کاری و رسالت اش به وجود آورده است، نه قبل و نه بعد از آن بوده است.

بسوارت سمیت *Rev. Reginald Bosworth Smith*

" **محمد(ص)**، در حقیقت امر، یک قیصر، امپراطور و خلیفه اعظم بود، یک پاپ عاری از تظاهر و ظواهر بود، قیصر بدون سپاه و سلاح بود، بدون لشکر و افسر بود، بدون محافظ، بدون آر گاه و بارگاه بود، بدون سود و سهام معین بود، و باید هر انسان با شهامت اخلاقی اعتراف نماید که محمد شخصیتی بود که بدون هیچگونه وسیله و حمایه ای، تنها با قوت و قدرت یزدانی و معنویت خودی اش دنیای زمان خود را به شیوه نهایت مؤثر و سودمند به گردانندگی گرفت."

میکائیل هارت *Michael H. Hart*

میکائیل هارت، مادامی که نام حضرت محمد را در برگه نخست کتابش، 100 شخصیت معروف و سر شناس جهان قرار داد، نوشت:

" **اراده من در راستای انتخاب نام محمد در سرخط کتاب شخصیت های معروف و نامدار جهان، شاید برای برخی خواننده ها مایه تحیر و برخی ها هم پرسش آفرین باشد، اما باید دانست و اعتراف کرد که وی شخصیت و انسان یکتایی بود که بخوبی**

توانست از عالی ترین سطح کام گاری ها در هر دو عرصه زندگی، اعم از دینی و دنیوی برخوردار باشد" (صد شخصیت مؤثر دنیا، نیویارک، 1978، ص، 33)

ناپلیون بوناپارت *Napoleon Bonaparte*

" امید وار هستم که شاید آن زمان چندان دور نباشد که بتوانم همه انسان های عاقل و شخصیت های آموزش دیده سراسر جهان را باهم متحد ساخته و یک نظام متحد الشكل را صرف بر بنیاد اصول ماندگار و زرین قرآن که یگانه راه آفرینش محیط سالم و فضای مسرت بار است، به ساختار گیرم."

(Quoted in Christian Cherfils' Bonaparte ET Islam, Paris, 1914)

لامر تاین *Lamar Tine*

" اگر داشتن هدف عالی و بلند، بدون داشتن دسترسی به وسایل کاری، و اما کمایی نتایج بی نظیر و در خور ستایش، ویژگی های نبوغ بشری را ترسیم کننده باشند، پس چه کسی شهامت و یارایی مقایسه فرد دیگری را در برابر محمد، خواهد داشت؟ مردان خیلی معروف دنیای بشری، به آفرینش لشکر، قوانین، حاکمیت ها و برخی امپراطوری ها، پرداخته اند، اما آیا آنها چیزی را جز قدرت دنیوی که بعضاً فرو ریخته است، بدست آورده اند؟ ولی ملیون ها انسان باورمند، و یک بر سه حصه مردمان کره خاکی که در آن حیات بسر می بریم، به شخصیت وی باورمند هستند، و مزید برآن، او کسی بود و خواهد باقی ماند که برای همیشه جهات استقامت محموله ها، دین، آئین، باور، روح و روان انسان ها را ژرفاً دگرگون ساخت... شکیبایی او در پیروزی و علو همت او در امر وقف مساعی خالصانه بخاطر انسان و نه به منظور بدست آوردن امپراطوری، نیایش همیشگی و ماندگارش، سخنرانی او از طریق پرده راز با آفریدگار ش، مرگ و فتح و نصرتش بعد از مرگ، همه و همه، در نتیجه فریب و دورویی بدست نه آمده، بلکه دال بر قدرت، قوت حقایق و ثبوت یقینی است که موصوف را در راستای توقف باور ها و اندیشه های تعصب آمیز و جزم گرایانه، یار و مدد گار بوده است. فلاسفه، خطبای معروف، تدوین کننده های نظام های حقوقی و قوانین مطروحه، بنیان گزاران فرآیند بینش های عقلانی، و تشخیص های مکاتب فکری، موسسین امپراطوری های بیست گانه جهانی، نمی توانند با امپراطوری واحد معنوی که محمد در رأس آفرینش آن قرار داشت، هم سنگ باشند. با ادای احترام با همه آن مقیاس ها و معیار هایی که باعث پیمایش بزرگی و سترگی بشریت به شمار میروند، آیا انسانی وجود خواهد داشت که بزرگتر از محمد (ص)، بوده باشد؟ "

(Histoire De La Turquie, Paris, 1854, Vol.11, pp 276-277)

جهان شخصیت های خیلی معروف و مشهوری را در دامن خود پرورش داده است، اما اکثر آنها شخصیت های یک بعدی بوده اند که در یک الی دو عرصه ای، درخشیده اند، مانند افکار و بینش های مذهبی و دینی و یا هم قیادت نظامی، که اکثراً زندگی این چنین افراد و اشخاص نامور، معروف و شهیر جهان، در فضای غبار آلود زمان و مکان، مکتوم و مظنون باقی مانده است. سخنان خیلی زیاد احتکار آمیزی نیز در مورد زمان و مکان پیدایش آنها، طرز تفکر و بینش آنها، سلیقه زندگی فردی و شخصی آنها، تفصیلات پیرامون مکتب فکری و شیرازه تعلیمی و آموزشی آنها، درجه و سطح کامگاری ها و شکست آنها در امر ساختار یک زندگی مشترک بشری و انسانی، بازتاب یافته است که ساختار، تدوین و ترتیب مجدد منظم و با اعتبار زندگی این چنین بزرگ مردان، از ظرفیت و صلاحیت فکری انسان های معمولی، کاملاً بدور است.

پروفسور هرگرونج *Professor Hurgronje*

" اگر بر بنیاد واقعیت های زمان و مکان به اندیشه نشینیم، پیمان و اتحاد مستحکم در میان ملل جهان توسط پیامبر اسلام حضرت محمد (ص)، بنیان گذاری شده بود که شیرازه اصول اتحاد ملل، اخوت و برادری را بر چنان شالوده گسترده جهانی گذاشت که فراهم آورنده اسباب مسرت و شادمانی برای سایر ملل جهان بود. هیچ ملتی از جهان نمیتواند اتحاد و همبستگی موازی و مساوی میان ملل را نشان دهد، آنگونه که محمد (ص)، توانست آن را بازتاب دهد."

ادوارد گیبون و سیمون اوکلی *Edward Gibbon and Simon Ockley* (*History of the Saracen Empires, London, 1870, P, 54*)

" باور داشتن به خدای واحد و یکتا پرستی (توحید)، محمد به مثابه پیامبر خدا نمادی است ماندگار و تغییر ناپذیر در راستای باور های منوط به دین اسلام. ظرفیت و بینش عقلانی در مورد ذات پروردگار آنقدر در افکار و اندیشه های محمد تسجیل شده بود، که هر گونه بینش و تصور فرا توحیدی نمیتوانست آنرا خفیف سازد و یا بسوی کاستی و کاهش بکشاند. محمد در زندگی اش، هیچگاهی بینش پرهیزکاری و تقوای بشری را نادیده نگرفته، بلکه همواره به آن با دیده تقدیر و تقدیس می نگریست. قواعد و تصورات اخلاقی او باعث استحکام شیرازه ها و مرزهای عقلانی دین و آئین محمدی گردیدند."

تاماس کار لیلی *Thomas Carlyle* (*In his book: Heroes and Heroworship*)

" دروغ بافی ها، (افترا و تهمت های غربی ها) در مورد آن همه جان فشانی های خیر خواهانه ای که از سوی باورمندان و پیروان محمد (ص)، در اطراف و اکناف او صورت گرفته اند، تنها برای ما ها نا مطبوع و مسخره به نظر می رسند... در صورتی که باید اندیشید که چسان یک انسان به تنهایی خود موفق میشود تا همه جمعیت های آواره و بادیه نشینان عرب زمان خود را فقط در فرآیند کمتر از دو دهه در یک شیرازه واحد، گسترده و مستحکم ملی، متحد و متفق بسازد... کاری این چنین سترگ، فقط توسط یک روح مشتاق بی صدا و بزرگ میتواند تعمیل و تحقق یابد. رسالت تاریخی محمد(ص)، فروزان سازی جهان به گونه ای بود، که آفریدگار این کائنات به آن سان هدایت داده بود. آن حضرت یک بشر بود، اما نه بشر عادی بلکه یک انسان کامل، و مردی بودی با یک رسالت سترگ و ماندگار که وظیفه اش دعوت و فراخواندن عالم بشریت به توحید و یکتا پرستی، گسترش و پهن سازی فرآیند تعلیم و آموزشی که بر بنیاد هدایت یزدانی جهت رهایی انسان از اسارت جهل و نادانی فرو فرستاده شده بود. محمد(ص)، همواره خویشتن را خدمتگزار، خادم و پیامبر خدا معرفی می نمود، و همواره سعی میورزید این همه گفتنی ها را در کردار، پندار و گفتار نیک، برای پیروان ثابت بسازد، که ثابت هم ساخت."

دنیا و کافه بشریت شاهد است که هیچ فردی از بنده گان خدا به این پیمان عروج معنوی نداشته است که محمد داشت. محمد(ص)، تکمیل کننده و مختوم همه افسانه هایی بود که با چهره ها و ظواهر حقیقی پا به عرصه وجود و هستی گذاشتند. همه مساعی و تلاش خستگی ناپذیر او برای ارتقا و عروج زندگانی مادی و معنوی، اتحاد و هم رنگی میان اقوام، قبایل و دسته های انسانی، و در فرجام من حیث یک هدف غایی و سترگ، پرستش خداوند واحد و یکتا در شیرازه قوانین و مقررات اخلاقی، در مکتب توحید و انسان باوری بود. محمد(ص)، کارکرد های ناهمگونی را که در عرصه های مختلف افکار و اندیشه های بشری انجام داده است، تا هنوز در برگه های تاریخ به نظر نرسیده است. همه اعمال، کردار، گفتار و پندار زندگی شخصی اش نمادی است برای همه انسان تا زمانه بعد و سده های آینده. زندگی پر بار او نه تنها برای پیروان خطوط زرین هدایت اند، بلکه برای آنها یی که او را به باد انتقاد می گیرند.

مهاتما گاندی Mahatma Gandhi

" من میل دارم از بهترین کیفیت زندگانی شخصیتی آگاه شوم که امروز بر دل میلیون ها انسان کره خاکی، تأثیر خیلی ژرف و غیر جدال بر انگیز دارد... من بیشتر یقین حاصل نمودم که این تنها شمشیر باعث انتشار و گسترش محیط پهناور اسلام و برنامه های مطروحه آن در آن ایام نبوده بلکه سادگی، صداقت، بی آلاشی محکم،

تواضع عالی و مطلق محمد(ص)، و احترام و اکرام محتاطانه و سواس آمیز او در برابر تعهدات اش، جسارت، شهامت، بی باکی، بی هراسی و اعتماد و اعتقاد مطلق او در برابر خداند(ج)، واحد و بینش یکتا پرستی بوده است..."

ساروجینی نایدو *Sarojini Naidu, an Indian Poet*

" این تنها دین اسلام بود که برای بار نخست بینش دموکراسی را از طریق اماکن مقدسه به تبلیغ و ترویج گرفت. این همان دینی بود که انسان های اقشار نا همگون جامعه را فرا می خواند و همه شان بدون اینکه به کدام کلاس اجتماعی و اقتصادی وابستگی داشتند، از شاه گرفته الی گدا، هنگام بندگی و نیایش زانو بر زمین نهاده و در برابر پروردگار یکتای شان در صفوف مستحکم و تزلزل ناپذیر، با دل های صاف، کردار و پندار نیک، به تذرع می نشستند و خدمتگزاری برای انسان و همنوع خویش را جز مسؤلیت ایمانی، وجدانی و انسانی خویش می دانستند و در راه آن صادقانه می رزمیدند و به اجتهاد عقلانی و معنوی می پرداختند."

(S.Naidu, *Ideals of Islam, Vide Speeches and Writings, Madras, 1918*)

انی بیسانت *Annie Besant*

(*Annie Besant, says in: "The life and Teaching of MUHAMMAD"*)

" برای هر کسی هم سهل نیست تا زندگی و خصوصیات پیامبر بزرگ جهان عرب را مورد مطالعه قرار دهد... و چیزی را احساس نماید، اما برای هر کس احساس حرمت و تکریم در برابرش وجود دارد و همواره اظهار خواهد نمود که، نیرومند ترین پیامبر قدرت عالی یزدان بود و است. و آنچه را که اکنون میل دارم در اختیار شما بگذارم، شاید بتوانم بسا مسایل را به نگارش گیرم که همه گان به آن آشنا باشند، ولی من شخصاً هنوز هر زمانی که آنها را به خوانش مجدد قرار دهم، راه جدیدی از تحسین، احترام و کرام را در برابر این آموزگار سترگ جهان عرب و عالم بشریت دریافت می کنم. امروز، بعد از سپری شدن مدت زمانی چهارده صد سال، شاهد آن هستیم که چگونه اصول بنیادین تعلیم و آموزش محمد (ص)، بدون اندک ترین باخت، اتلاف، تغییر و الحاق، زنده هستند و با هستی خود ادامه میدهند. این شیرازه های آموزشی همان امید های فنا ناپذیری را جهت علاج امراض عالم بشری پیشکش می کنند، که در زمان حیات آن حضرت، پیشکش شده بودند. و باید دانست که این تنها ادعای پیروان آن حضرت نیست، بلکه نتیجه گیری انکار ناپذیری است که تاریخ بی غرض، و فرا جزمی دنیای اسلام، من حیث یک قوت حیاتی برای همگان بازتاب داده است. محمد(ص)، یک آموزگار، پیشوای جنبش بهسازی و اصلاح طلبی، قایداخلاق مند، مجری نیرومند و قوی، دوست با وفا، همنشین بی نظیر، شریک زندگی متعهد و وفادار و یک پدر مهربان و با محبت، بود. در تاریخ

بشریت انسان دیگری وجود نداشته است که در داشتن اینگونه کوائف زندگی بر او برتری داشته و یا مساوی بوده باشد، و بدون تردید فقط شخصیت بی آرایش و از خود گذارانه او باعث حصول این چنین کمال باور نکردی گردیده است."

لن پولی Lane – Poole

(in Speeches and Table Talks of the Prophet)

" محمد(ص)، یک حافظ و مدافع با ایمان و سر سخت آنهایی بود که نیاز به حمایت او داشتند، او شیرین کلام ترین و سازگار ترین شخصیت در گفتن با دیگران بود، حتی آنهایی که او را ناگهانی ملاقات می کردند، با حرمت، تکریم و تقدیس ویژه با او بر خورد مینمودند، آنهایی که در جوار او قرار میگرفتند، او را دوست دار می شدند، و آنهایی در مورد او شرحی میداشتند، می گفتند: " من هرگز انسانی را مانند او نه در گذشته، نه اکنون و نه در آینده خواهم دید." او یک شخصیت سترگ در کم حرفی بود، اما مادامی که به گفتن می آمد، با اصرار، با سنجش و اندیشه سخن می زد، و آنچه را که اظهار می نمود، هرگز از خاطرات فکری فردی بیرون نمی شد... "

واشنگتن اروینگ – Washington Irving

" کامگاری ها و فتوحات او در میدان نبرد باعث آفرینش و بیداری بینش مباحثات و تفاخر در او نمیگردید، و نه هم باعث تبارز و یا تظاهر شکوه و جلال باطل و بیهوده در او شده باشد، و اگر چنین می بود این فقط نشان دهنده پرورش اهداف غیر واقعی و خود خواهانه در وجود او می بود. او در زمان و میدان های پیروزی همواره با ظواهر ساده و عادی ظاهر می شد و باقی می ماند، آنگونه که در روز ها و شرایط ادبار، بد روزی و مصیبت، جلوه می نمود. او از تبارز حالت و وضعیت شاهانه نهایت بدور بوده و اگر داخل خانه ای، کاشانه ای و یا مکانی میگردید و دیگران او را با مراسم تشریفات ویژه خیر مقدم می گفتند، خیلی ها نا راحت می گردید." "

پروفسور ماسرمن - Professor Jules Masserman

(Of USA Psychiatric Association)

" مردمانی مانند، لوویس پاستور (1822-1895م)، کیمیا دان مشهور فرانسوی، و جوناس سالک (1914-1995م)، پژوهشگر عرصه طبابت و میکروب شناس، رهبران دسته اول اگر باشند، مردمانی مانند اندرا گاندی رهبر فقید هند، و شخص کنفوسیوس، رهبران دسته دیگری، و اسکندر امپراطور قیصر و هیتلر رهبران به مفهوم دوم و یا حتی سوم باشند، حضرت عیسی و بودا به تنهایی خود به دسته سوم قرار داشته باشند، بجا است بگوییم که محمد (ص)، بزرگترین قاید همه زمانه

بود، که توانست این مأموریت و وظیفه سه گانه را به وجه احسن به پایه اکمال برساند. و بدون تردید که حضرت موسی توانست عین مأموریت و رسالت را به پیمانۀ کوچک تر، مورد اجرا قرار دهد."

این نویسنده در نکات فرجامین خود ما یان را فرا خوانده می گوید، آیا زمان آن نرسیده است که باری من حیث انسان و جز عالم بشریت سر به گریبان فرو بریم و از خود بپرسیم که آیا این گونه بازتاب ها و اظهار نظر ها نهایت فوق العاده و یا هم انقلابی به نظر میرسند و یا اینکه از واقعیت های عینی، برخوردار هستند؟ و یا هم اگر این ها همه درست باشند و لی ما هنوز صلاحیت شناخت این مرد بزرگ تاریخ را پیدا نکرده ایم، آنگونه که لازم باشد، و یا هم در موردش نشنیده ایم، لذا آیا زمان آن نرسیده است تا در برابر این چالش بزرگ پاسخ مثبت دهیم و مساعی همه جانبه خویش را در راستای شناخت واقعی، عقلانی و اخلاقی او بکار ببریم؟ و باید دانست که این مسئله نه تنها اینکه هرگز گزاف برای شما تمام نخواهد شد، بلکه مرحله آغازین ای خواهد بود در زندگی هر انسان به شمول یک مسلمان!

در این نگارش فشرده نمیتوان همه آن کار کرد های تاریخی و انسانی را که این شخصیت سترگ در فراز و فرود 1400 سال انجام داده است، در سیاق چند نگارش، ذکر نام چند شخصیت معروف و مشهور، و اصل و اصولی را که پروردگارش از طریق فرو فرستادن آیات کلام الله مجید جهت انجام خدمت به کافه بشریت، هدایات گسیل فرموده است، به پایه اکمال رساند، زیرا کاری است نهایت دشوار و بیرون از توان و صلاحیت فکری و قلمی ما.

" اگر فردی در میان افراد برادر هم کیش و هم آئین شما نیست، بدون تردید برادر شما از دیدگاه و بینش بشری است"

"If some one is not your brother in faith, then certainly he is your brother in humanity" Imam Ali (Peace Be upon Him)